

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

چریکهای فدائی خلق ایران
۱۲ دسمبر ۲۰۱۸

در ورای تحریم های اخیر!

با اجرائی شدن دور دوم تحریم های اقتصادی یک جانبه ایالات متحده امریکا علیه جمهوری اسلامی در آبان ماه [عقرب]، مقامات این دولت اعلام کردند که علاوه بر تحریم ارزی و صنایع خودرو سازی و هواپیمائی جمهوری اسلامی، اکنون دولت ترمپ با اعمال تحریم های جدید، تمام بخش های اصلی اقتصادی ایران از صنعت نفت و گاز و پتروشیمی تا مبادلات بانکی و خدمات بیمه ئی و کشتیرانی و ... را هدف قرار خواهد داد.

آن چه در درجه اول در رابطه با این تحریم ها جلب توجه می کند ، این واقعیت است که صرف اعلام این تحریم ها بر بستر شرایط اقتصادی وحشتناکی که جمهوری اسلامی با اجرای سیاست های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و اجرای سیاست های جنگی امپریالیستها در منطقه برای کارگران و توده های گرسنه ایران آفریده و کمر آنها را در زیر فشارهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی خرد کرده، به فضای ناامنی و هراس مردم از سقوط بیشتر به مرداب فقر و بیکاری و گرانی دامن زده است. این امر از آنجا ناشی می شود که تجربه نزدیک به چهل سال سابقه تحریم های تا کنونی نشان داده که به رغم آن که این تحریم ها در هر دوره فشارهای مشخص ولی مدیریت پذیری به جمهوری اسلامی وارد آورده اند، اما قربانیان اصلی آن ها، توده های محروم یعنی اکثریت آحاد جامعه بوده اند. چرا که این تحریم ها در هر دوره بر ابعاد غارت امپریالیستی و کسب مافوق سود توسط امپریالیستها از بابت حراج منابع و ثروتهای ملی مردم ما افزوده است. در این مسیر تا آن جا که به بخشی از بورژوازی وابسته ایران بر می گردد، آنها از منافع ناشی از کانال سازماندهی شده "دور زدن تحریم ها" جیب های خود را پر ساخته اند. زندگی انگل وار این بخش از سرمایه داران وابسته، به واقع از یکسو به این تحریم ها که قدمت آنها به چهل سال حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می رسد و به شعارهای فریبکارانه "مرگ بر امریکا" گره خورده است.

در تحریم هائی که دولت ترمپ در تبلیغاتی بشدت مبالغه آمیز، آن را "شدیدترین تحریم های تاریخ" نام نهاده، لیست طولیلی از صدها مؤسسه مالی، بانکی و اشخاص حقیقی و حقوقی جمهوری اسلامی ارائه شده اند که مورد تحریم قرار گرفته اند. اما با وجود اعمال این "سخت ترین" تحریم های "بی سابقه"، دولت ترمپ و مقامات این کشور به ویژه در انتظار توده های خشمگین و گرسنه ای که ماه هاست برای برانداختن این رژیم وابسته و فاسد و تبهکار به پا خاسته اند، به شدت تأکید می کنند که نه در پی "تعویض" رژیم جمهوری اسلامی بلکه در پی "تغییر رفتار" آن می باشند. این تأکیدات صریح که تا به امروز بارها از سوی مقامات مختلف امریکا تکرار شده، حاوی پیام روشنی می باشند و آن این

که نشان می دهند به رغم تمام تبلیغات وسیع دولت ایالات متحده آمریکا، تحریم های اخیر هر چقدر "شدید" و "بی سابقه" هم که باشند سرنگونی این رژیم را هدف قرار نداده اند. به واقع، شواهد موجود نشان می دهند که سیاست غالب در هیأت حاکمه آمریکا در پی این نیست که با این تحریم ها در لحظه فعلی جمهوری اسلامی را سرنگون کند. به عکس نتیجه این تحریم ها تعرض باز هم شدیدتر به حیات و معاش توده ها در همان حال، کوشش برای تضمین تداوم حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی - حداقل تا به امروز - بوده است. درست به همین دلیل است که در این به اصطلاح "شدیدترین" تحریم ها، از هم اکنون به دقت منافذ تنفسی رسمی و عملی هم برای رژیم جمهوری اسلامی به مثابه گرداننده نظام اقتصادی حاکم، تعبیه شده است. از جمله آن که به رغم ادعای آمریکا مبنی بر به صفر رساندن فروش نفت جمهوری اسلامی، دولت آمریکا برای ۸ کشور (اکثراً از متحدان و وابستگان خویش) یعنی جاپان، کوریای جنوبی، هند، ترکیه، یونان و ایتالیا و تایوان، به علاوه چین به منظور تداوم معاملات نفتی و تجاری با ایران استثنائاتی را حداقل برای یک دوره ۶ ماهه قابل گشته است. همچنین تلاش های سیستماتیک و از قبل برنامه ریزی شده برای ذخیره نفت ارزان در انبارهای مورد دسترس ایران در چین و روتردام و همچنین تانکر های نفتکش با پرچم سایر کشورها روی آب های آزاد و ... از جمله امکانات دیگری ست که برای تحمل و تعدیل فشار ناشی از این تحریم ها در اختیار رژیم قرار داده شده اند. اگر همین واقعیت را در نظر بگیریم، آنگاه می توان متصور شد که در ورای تبلیغات گسترده آمریکا در مورد "شدیدترین" تحریم ها، آن هم به منظور تغییر رفتار جمهوری اسلامی، دلایل بزرگتری وجود دارند که با اتکاء به آنها می توان در صحت ادعاهای تبلیغاتی دولت ترمپ برای برخورد با جمهوری اسلامی، به ویژه آنگونه که نیروهای پرو امپریالیست به آن دل بسته اند، تردید نمود.

از جمله واقعیت هایی که باعث می شوند که نتوان ادعای تبلیغاتی ترمپ را در رابطه با کوشش برای "تغییر رفتار جمهوری اسلامی" پذیرفت وجود چنین سوالاتی است که مگر در طول ۴۰ سال گذشته، تمام رفتارهای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در داخل و در سطح منطقه دقیقاً در چارچوب سیاستهای ارباب بزرگ کوک نبوده و به پیش نرفته است که اکنون نیاز به تغییر آنها احساس شود؟ مگر جمهوری اسلامی از همان لحظه ای که با اراده امپریالیستها و جهت سرکوب انقلاب توده ها در کنفرانس گوادالوپ به قدرت رسید، در طول ۴۰ سال کاری به جز خدمت به سرمایه داران جهانی و پیشبرد سیاستهای آنها انجام داده که اکنون ضرورت سقوط و جایگزینی آن با رژیمی که بهتر به اربابان جهانی اش خدمت کند مطرح شده است؟ واقعیت این است که حیات جمهوری اسلامی به عنوان یک مهره مهم و ستراتیژیک برای امپریالیسم در طول چهل سال گذشته تجلی یکی از مکارانه ترین سیاستهای نو استعماری سرمایه داران جهانی و در رأس آنها دولت ایالات متحده آمریکا در سطح بین المللی بوده است. خدمات این رژیم سراپا وابسته به امپریالیسم به این سرمایه داران در وصف نمی گنجد. از سرکوب انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ و کشتار کمونیستها و مبارزان ضد امپریالیست گرفته، تا ریختن تریلیون ها دالر در جریان ۸ سال جنگ ایران و عراق به جیب گردانندگان امپریالیست یعنی برندگان واقعی جنگ، از حراج نیروی کار و منابع و ثروتهای طبیعی در جهت منافع انحصارات و کمپانی های امپریالیستی زیر نام بازسازی گرفته تا پیشبرد تمام و کمال خطوط دیکته شده و بحران ساز بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در ایران، از تغذیه سیستماتیک دار و دسته های بنیاد گرای اسلامی دست ساز جناح های جنگ سالار در غرب گرفته تا نقش آفرینی به عنوان پیاده نظام ارتش آمریکا در سوریه و عراق و افغانستان و بالاخره از بر باد دادن تریلیونها دالر از سرمایه های مردم در کوره پروژه اتومی گرفته تا بحران سازی های سیستماتیک و ایفاء کردن نقش "یاغی" در منطقه به نفع ماشین جنگی و انحصارات نظامی امریکائی، همه و همه در جهت منافع امپریالیست ها و جلوه آشکاری از ماهیت وابسته به امپریالیسم این رژیم بوده اند.

در جریان تحریم های کنونی نیز نشان داده می شود که جمهوری اسلامی در شرایطی که امپریالیسم امریکا در رقابت با شرکاء و رقبای امپریالیست خود جبهه جدیدی را گشوده است، چگونه این رژیم نقش یک مُهره و بازیچه را به نفع این امپریالیسم ایفاء می کند. مکانیسم تحریم های امریکا علیه ایران که در زیر بیشتر تشریح خواهد شد، بیانگر یکی دیگر از سیاست های ضد خلقی است که هزینه های مخرب هولناک آن مستقیم و غیر مستقیم بر دوش کارگران و دیگر توده های رنج دیده ما سر شکن می گردد.

آیا کسی می تواند انکار کند که اگر مردم ما به جای این رژیم ضد خلقی و وابسته با یک رژیم غیر وابسته و مستقل روبه رو بودند، هیچ یک از سیاست های فاجعه بار بر شمرده شده در بالا طرح نمی شد و کشور ما در موقعیت فلاکت بار کنونی قرار نمی گرفت؟ با توجه به چنین حقایقی ست که ما به بخش دوم و در واقع اصلی تحریم های اخیر یک جانبه امریکا می رسیم و آن هم اهمیت "تحریم های ثانویه" مبتنی بر تحریم "حداکثری" جمهوری اسلامی می باشد. معنای تحریم های ثانویه این است که دولت امریکا با اتکاء به قدرت اقتصادی و زور نظامی خویش به مقابله با رقبای امپریالیسم خود برخاسته و به خود این حق را داده است که هر کمپانی و دولتی که بدون اجازه این قدرت امپریالیستی بخواهد تحریم های امریکا علیه ایران را "نقض" یعنی مطابق منافع خود با ایران وارد مبادلات تجاری شده و یا حتی مبادلات سابق خود را حفظ کند، مورد تحریم و مجازات قرار دهد! این البته در عین حال نمونه ای از آزادی تجارت و بازار آزاد مورد ادعای سرمایه داران در جهان امپریالیستی کنونی را نیز آشکارا در مقابل دید همگان قرار می دهد.

سرمایه داران بین المللی در تداوم سیاست های غارتگرانه خود به طور غلو آمیز از ایران به عنوان "المان خاورمیانه"، "آخرین بازار بزرگ در حال ظهور"، "بازاری به طور کامل رو به جهان خارج"، با "بیش از ۸۰ میلیون مصرف کننده، جمعیت بسیار تحصیل کرده و مجموعه ای از منابع طبیعی - از جمله فلزات گرانبها" یاد می کنند (سی ان ان ۷ اگست ۲۰۱۸) و در ارتباط با بازار بزرگ ایران برای کالاهای امپریالیستی می گویند که "ایران یک بازیگر قدرتمند صنعتی در خاورمیانه و شمال آفریقا، بخش بزرگی از "بیش از ۳۰۰ میلیون مصرف کننده می باشد، که این رقم خود برابر کل جمعیت ایالات متحده" می باشد. (همان منبع). همانطور که آشکار است این تعریف ها و ارقام داده شده اهمیت کسب بخش هر چه بزرگتری از سهم بازار ایران توسط سرمایه داران و قدرت های جهانی را خاطر نشان می سازد. از همین جاست که باید متوجه شد که این "سخت ترین" تحریم های "بی سابقه"، دولت ترمپ علیه ایران از چه بعدی برخوردار است و می توان دید که سیاست "تحریم ثانویه" امریکا، موانع عمده ای در مقابل فعالیت های شرکت های بین المللی غیر امریکائی در اقتصاد ایران ایجاد کرده و می کند.

درست با توجه به عملکرد همین تحریم های ثانوی امپریالیسم امریکا علیه رقبای خود است که از زمان اعلام اجرای دور دوم تحریم ها علیه ایران، موج اعتراض و خشم شرکاء و رقبای اروپائی و چینی و روسی امریکا برانگیخته شده و تنش های شدید جدیدی را در روابط پر تنش دولت ترمپ با این قدرت های جهانی باعث شده اند. در واکنش به چنین سیاستی روسیه و چین و قدرت های اروپائی به طور طبیعی ضمن محکوم کردن سیاست های دولت ترمپ، علناً به مخالفت با اقدام امریکا در رابطه با تحریم های ایران برخاسته اند. به طور مثال اتحادیه اروپا علناً اعلام کرده که در صدد ایجاد "ساز و کار"ی ست تا با استفاده از آن تداوم "فعالیت مشروع" اقتصادی کمپانی های اروپائی با ایران بدون آن که به خاطر این کار توسط امریکا مجازات شوند، امکان پذیر گردد. صرف نظر از این که سرمایه داران اروپا موفق به عملی کردن چنین پروژه ای بشوند یا نه، باید توجه کرد که نفس مخالفت دولت های اروپائی با امریکا در رابطه با تحریم های ایران به خاطر ضرر های مشخصی ست که آن ها با محرومیت در حضور در بازار ایران و به ویژه نفت و گاز و پتروشیمی و صنعت خودرو سازی و... متحمل می شوند.

نیازی به یادآوری نیست که در طول ۴۰ سال گذشته، شرکت های اروپائی نظیر توتال، بار ها به دلیل تحریم های امریکا مجبور به چشم پوشیدن از قراردادهای چند میلیارد دالری در حوزه نفت و گاز شده اند. مطابق آمار موجود تنها در سال ۲۰۱۲، بر بستر تحریم های امریکا، یک میلیارد دالر واردات مواد مورد نیاز اولیه از سوی اروپا از ایران کاهش یافت. بدیهی ست که شرکت های اروپائی به خاطر از دست ندادن منافع بزرگتر یعنی فعالیت در بازار امریکا مجبور به پذیرفتن این محدودیت شدند.

دقت در مؤلفه های اصلی شرایط حاکم بر نظام سرمایه داری جهانی و بحران های آن، مؤید آن است که انگیزه اصلی خروج امریکا از برجام و اعلام بازگرداندن یک جانبه تحریم ها توسط دولت ترمپ، خلاف تبلیغات رایج نه "رفتار" جمهوری اسلامی و یا عدم پایبندی این رژیم به توافقات هسته ای، بلکه بخش جدائی ناپذیری از رفتار عمومی امپریالیسم امریکا نسبت به تقریباً تمامی دولت های امپریالیستی از زمان روی کار آمدن دولت ترمپ بوده است. این امر پوشیده ای نیست که امریکا از زمان انتخاب ترمپ به عنوان رئیس جمهور و قدرت گیری هر چه بیشتر محافل جنگ طلب در هیأت حاکمه این کشور، رفتار تعرضی و تهاجمی تری را علیه رقبای خویش در پیش گرفته و خروج از برجام و تحریم ایران تنها یکی از جبهه های متعدد این رویارویی ها و تنش هاست.

خروج از چند معاهده بین المللی که آخرینش اعلام احتمال خروج از معاهده با روسیه در زمینه محدود کردن راکت های اتومی می باشد، تقاضا از المان و اتحادیه اروپا جهت تأمین بیشتر هزینه های نظامی ناتو توسط این شرکاء، آغاز یک جنگ تجاری با چین، غارت هر چه شدیدتر ذخایر ارزی عربستان و سایر دولت های عربی وابسته از طریق فروش صد ها میلیارد دالر سلاح به این کشورها و بلافاصله تهدید عربستان برای "تأمین هزینه" های امریکا به خاطر حفظ "امنیت" این کشور و سایر امیر نشین های ثروتمند و وابسته خلیج فارس، تنش با کانادا و مکزیک برای گرفتن امتیازات یک جانبه از این همسایگان و ... تنها نمونه هایی از لیست بلند بالای حاکی از سیاست های تهاجمی امپریالیسم امریکا برای حفظ و توسعه بازارها و مواضع خویش در سطح جهانی در مقابل دیگر امپریالیست ها (شرکاء و رقبایش) می باشند. در چنین فضائی ست که دولت امریکا با اتخاذ سیاست خروج از برجام و اعلام تحریم های یک جانبه علیه جمهوری اسلامی، آن هم با بهانه های واهی، شمشیر را از رو بسته و به نشان دادن دندان های خود به سایر قدرت های جهانی رقیب خود پرداخته است.

در مقابل شاخ و شانه کشیدن و تهدیدات و اقدامات عملی دولت امریکا با هدف ایجاد محدودیت برای رقابت که رئیس جمهور فرانسه با حمایت صدر اعظم المان در اظهار نظری بی سابقه از "ضرورت ایجاد یک ارتش اروپائی برای محافظت اروپا" در مقابل خطر رقباء تأکید می کند و وزیر اقتصاد این کشور نیز رسماً اعلام می کند که "اروپا اجازه نخواهد داد که ایالات متحده امریکا به پولیس تجاری جهان بدل شود".

این واقعیات نشان می دهند که بدون در نظر داشتن بحران و شرایط پر تنش نظام سرمایه داری جهانی که باعث تشدید رقابت بین قدرت های امپریالیستی در جهت توسعه سلطه شان بر بازارهای جهانی و تلاش برای تجدید تقسیم آن ها شده، و بدون در نظر داشتن وابستگی نظام سرمایه داری ایران به سیستم جهانی سرمایه داری، و رژیم حافظ آن جمهوری اسلامی به امپریالیسم، نمی توان به دلایل و انگیزه های واقعی کارزاری که دولت امریکا در ورای برقراری مجدد تحریم ها علیه جمهوری اسلامی به راه انداخته، پی برد و در برابر آن موضع مردمی و اصولی اتخاذ کرد. تحریم های کنونی در همان حال که فشار های مشخصی را به رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی وارد خواهند کرد، اما بار مخرب آن با تمام قدرت از سوی جمهوری اسلامی بر دوش توده های رنجبر و زحمتکش ما سرشکن خواهند شد. این تحریم های ضد مردمی همچنین بهانه ای به دست رژیم وابسته و ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار

خواهد داد تا دلیل تمام رنج و محرومیت توده ها را به عامل خارجی یعنی تحریم ها نسبت دهد و با این بهانه چماق سرکوب بزرگتری را علیه کارگران و مردم به پاخاسته ما درست کرده و به کار گیرد.

در این میان، به رغم حقایقی که در بالا توضیح داده شد، تحریم های اخیر، نیروهای پرو امپریالیست و رسوا را به شادی واداشته است. چرا که آنان به مثابه زایده و دنباله رو سیاست های امپریالیست های غارتگر، "تحریم" ها را نشانه ای از سیاست رژیم چنج دولت ترمپ و پایان کار رژیم تبهکار جمهوری اسلامی جا زده و تبلیغ می کنند. این نیروها نه تنها به رنج و درد ناشی از این تحریم ها برای مردم محروم ما اهمیتی نمی دهند بلکه این واقعیت را هم از مردم پنهان می کنند که نمونه تحریم های مشابه امریکا و شرکاء در عراق موسوم به نفت در برابر غذا که از سال ۱۹۹۰ شروع و موجب جنایات بیشمار و حداقل موجب مرگ نیم میلیون کودک عراقی گردید، نشان داد که آن تحریم ها علی رغم همه تبلیغاتی که وجود حکومت صدام حسین را دلیل آن جلوه می داد تا مدت زیادی پس از سقوط صدام نیز ادامه یافت و نهایتاً در سال ۲۰۱۰ بود که عملاً ملغی اعلام شد. چرا که دلیل اتخاذ سیاست تحریم علیه عراق چیز دیگری بود و دیدیم که امریکا از شرایط حاکم بر آن تحریم ها تا مدت ها بعد همچنان به عنوان ابزاری برای ایجاد توازن نیرو و کنترل سلطه رقباى خویش بر بازارهای عراق استفاده کرد. چنین واقعیتی باید به عنوان تجربه در رابطه با تحریم های امریکا علیه ایران مورد توجه قرار گیرد.

در نقطه مقابل پرو امپریالیست های حامی تحریم و دخالت امپریالیستی، شاهد تلاش های گروه های دیگری نیز هستیم که در چارچوب سیاست های جمهوری اسلامی وارد این کارزار شده و با دست گذاردن روی یک واقعیت آشکار که همانا تأثیرات ضد خلقی این تحریم ها بر زندگی مردم ماست، در حالی که تحریم ها را محکوم می کنند اما بخش دیگری از حقیقت یعنی ماهیت ضد مردمی جمهوری اسلامی به عنوان دشمن توده ها و عامل وضع موجود را پنهان نموده و با هر انگیزه ای عملاً در جهت بقای عمر آن و عمر نظام استثمارگرانه موجود حرکت می کنند.

شکی نیست که کمونیست ها و همه نیروهای مردمی و آزادیخواه نه تنها به هیچ رو سرنوشت جنبش انقلابی توده های زحمتکش و به جان آمده را به "تحریم" های هدایت شده و کنترل شده امریکا گره نمی زنند و از آن حمایت و پشتیبانی نمی کنند، بلکه با تمام قواء در راه تقویت جنبش توده های تحت ستم و تشدید مبارزات آنها برای سرنگونی این دستگاه پوسیده و سرکوبگر حاکم می کوشند. نیروهای کمونیست و آزادیخواه هر گونه دخالت مستقیم و غیر مستقیم، اقتصادی و نظامی و حمایت امپریالیست ها از سرمایه داران زالو صفت حاکم و رژیمشان در ایران را محکوم کرده و با هر آن چه که در توان دارند از خواست توده های به پاخاسته برای سرنگونی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، قطع قطعی هر گونه نفوذ امپریالیسم در ایران و تحقق شعار "نان، کار، آزادی و استقلال" در یک نظام دمکراتیک دفاع می کنند.

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۳۲، آبان ماه [عقرب] ۱۳۹۷